



از میان بردن جنگل‌ها، فرسایش خاک، افزایش جمعیت، مهاجرت و تغییرات اجتماعی همگی تعادل اکوسیستم کوه را تهدید می‌کنند.

کوهستان در خطر است

در اعتقادات هند و کوه مرو (Meru) کوهی اساطیری است که در مرکز جهان هستی قرار دارد. این کوه که تا هم‌اکنون امتداد می‌یابد و در اقیانوس‌های بسیار دور زمین به آسمانها منتهی می‌شود جایگاه خدایان بوده است. متون مقدس هندو این کوه را چنین توصیف می‌کنند: «بریده بریده بوسیله رودها با آبهای ملایم و فراوان که در حواشی آنها منزلگاههای باشکوه و طلایی قرار دارند و در این منزلگاهها موجوداتی مقدس بنام دیوا زندگی می‌کنند». از فوجیاما تا آلمپ و سینا کوههایی منفرد و جدا افتاده وجود دارند که همواره الهام‌بخش احساسی از ترس و احترام در دل ساکنین حواشی خود بوده‌اند. این احترام غریزی به کوه در روح انسان چنان جا افتاده و استوار شده است که حتی ساکنین ناحیه‌ای دشتی همچون بین‌النهرین به فکر ساختن کوههای مصنوعی یعنی «زیگورات»ها بیفتند تا از این طریق بتوانند خود را به خدایان نزدیکتر کنند.

شاید این بدین دلیل است که علی‌رغم صعود انسان به اورست هر کدام از ما در ضمیر خود کوهی را می‌یابد که بالا رفتن از آن با کشف احساسی از ترس آمیخته به احترام توأم است هنوز هم تا مدت‌ها احترام و صیانت کوهها ادامه می‌یابد و زمینه صعود ما را فراهم می‌کند، زیرا به قول یک کوهنورد «آنها آنجا هستند».

شگفت اینکه علیرغم جاذبیت افسانه‌ای کوهها برای انسانها بر روی یک تعریف علمی از کوه هنوز هم اتفاق نظر وجود ندارد. معمولاً به این اکتفا می‌شود که بگوئیم کوه عبارتست از رخنساره‌های زمین‌شناسی که بصورتی بارز در محیط برجسته شده و بادامنه‌های تند، وسعت کم

زیگورات‌ناور (تل‌المقبر فعلی) در عراق زیگورات‌ها پرستشگاههای هر می‌شکل و مطنقی هستند که حدود ۲۰۰۰ تا ۵۰۰ سال قبل از میلاد بر شهرهای بین‌النهرین هدیرا فرشته بودند تصور می‌رود که بناها مأخذ افسانه برج پابل باشند.



روستایی از نپال در هیمالیا

طبیعت زیست نمودند و در قلب کوهها مجموعه‌های محیطی هم‌آهنگ و نمونه‌ای را در جهان ایجاد کردند اما امروز با وجود تنگ‌تر شدن فضا براساس مطالعات بر نامه انسان و کره زیست یونسکو این تعادل در اکوسیستم‌های مختلفی چون آلپ یا آند تحت تأثیر اثرات مشترک فشارهای جمعیتی، حرکات جمعیت و الزامات توسعه با خطر مواجه شده است.

قرن‌ها بود که جمعیت ساکن در کوههای آند عمدتاً در آلپی پلاتو یا فلات مرکزی متمرکز بود. مراکز جمعیتی از جماعات روستایی منفرد تا شهرهای وسیع را شامل می‌گشت. به عکس پیشکوههای مجاور و بویژه مناطق گرمسیر جنگلی واقع در پائین دست کوهها جمعیت بسیار کمتری را در خود جای داده بود. اما از اوایل این قرن و بویژه از سال ۱۹۵۰ جمعیت نواحی آلپی پلاتو به سمت شهرهای نزدیک نواحی پست‌تر و بخصوص شهرهای ساحلی سرازیر شدند.

عامل این مهاجرت را باید فشار ناشی از تراکم جمعیت بر روی منابع محدود و همچنین جستجوی زندگی بهتر دانست. به دلایل مختلف اجتماعی و سیاسی از زمان غلبه اسپانیایی‌ها رویه بهره‌گیری از زمین در آلپی پلاتو

قله‌ها و ارتفاعات محلی قابل ملاحظه مشخص می‌شوند. با این حال، حتی اگر مفهوم منطقه کوهستانی را محدود به ارتفاعات بالای یک هزار متر نمایم ملاحظه خواهیم نمود که کوهها بخش مهمی از زمین‌های خارج از آب را شامل میشوند. تقریباً ۱۰٪ جمعیت جهان در مناطق کوهستانی زندگی می‌کنند اما استفاده کنندگان از منابع کوهستانی بصورت کشاورزی، تهیه آب، انرژی و سیاحتگاه به ۴۰٪ بالغ می‌شود.

با توجه به اینکه تأثیر انسان بر کوه عمدتاً در بخشهای پوشیده از گیاه محسوس است اکولوژیست‌های صاحب‌نظر در سیستم‌های کوهستانی کوهستانها را با هر ارتفاعی که باشند به مثابه نواحی اکولوژیک متمایز مدنظر قرار می‌دهند. بدین معنی که کمربندهای اکولوژیک بطور عمودی بر روی کوه مشخص می‌شوند. این کمربندها که تأثیرات متقابلی بر همدیگر دارند در پیوند با فعالیت‌های انسانی می‌باشند و در واقع انسان نقش اصلی را در تکوین و تحول بسیاری از اکوسیستم‌های کوهستانی ایفا می‌نماید.

سؤال این است که تأثیر انسان را بر اکوسیستم‌ها چگونه ارزیابی کنیم؟ اجداد ما قرن‌ها در آشتی و تعادل با

یکی از نتایج فوری ترک دامداری تغییر پوشش گیاهی است که خود باعث تشدید خطر بهم‌ها می‌شود. افزایش تعداد اسکی‌بازان از ۱۵ سال پیش تاکنون عامل دیگر بهم خوردن تعادل محیط است. عکسهای هوایی بیانگر آنست که فرونشینی برفهای زمستانی در زیر پای اسکی‌بازان باعث توقف جریان آب در بهار می‌شود. همچنین گیاهان موجود در پیست اسکی نابود می‌شوند و بعضاً مشاهده شده است که حتی تمامی حشرات در امتداد پیست نابوده شده‌اند. برای مثال تعداد کره‌های خاکی در هر مترمربع از ۱۳۰ به ۱۰ کاهش یافته است.

کوههای آلپ و آند نمونه‌هایی هستند که در آنها مسائل اکوسیستم‌های کوهستانی تحت تأثیر فشار جمعیت، تحول عادات و رسوم و الزامات توسعه در سطح جهان نمودار شده‌اند. قللهای باشکوه هیمالیا از اثرات تخریب جنگل و فرسایش تشدید شده در اثر کوهپیمایی کوه‌پیمایان آماتور بر کنار نمانده‌اند، پدیده‌ای که در نیبال نیز محسوس است. هنرمند کوهنورد ادوارد ویمر (۱۸۲۰-۱۹۱۱) اولین فاتح ماتورون همواره می‌گفت «بر قلّه فتح نشده در روند غلبه بر طبیعت توهینی به انسان است» امروز اگر نسبت به آلودگی کوهها بی‌توجه باشیم آنهم در حالی که از قرن‌ها این کوهها گرامی شمرده می‌شوند باید گفت که این بی‌توجهی توهینی است که انسان بر طبیعت روا داشته است.

مسائل بهداشتی با پیچیدگی بیشتری مواجه است زیرا جمعیت‌های کوهستان‌نشین که ناگهان به دشت‌ها با اقلیمی مرطوب منتقل می‌شوند در مقابل باکتریها، ویروس‌ها و انگل‌ها حساس‌اند و از هیچ‌گونه دفاع طبیعی برخوردار نیستند.

در مورد مناطق آلبی مسأله قدری متفاوت است. در اینجا با دو نوع تغییر جمعیت روبرو هستیم: نواحی بسیار مرتفع از جمعیت خالی و در عوض به جمعیت ارتفاعات متوسط افزوده می‌شود. اما دشواری بزرگ از آنجا ناشی می‌شود که اکوسیستم کشاورزی - دامی با وضعیت نسبتاً ثابت خود در معرض دگرگونی قرار می‌گیرد. علت این دگرگونی جریان‌ات فصلی جمعیت انبوهی از توریست است که فشار آن فراتر از ظرفیت پذیرش نواحی مربوط است.

واضح است که منظور توریست‌ها و سیاحتگرانی هستند که از نواحی پرجمعیت مجاور در زمستان و تابستان و آخر هفته‌ها به جابجایی مبادرت می‌کنند. صاحبان خانه‌های تفریحی نیز به این تعداد جمعیت افزوده میشوند. این خانه‌ها که در واقع خانه‌های دوم مالکین است به هنگام بازنشستگی صاحبان بصورت اقامتگاه دائم آنها در می‌آید. بسیاری از روستاها و مراتع آلبی، وقتی کاملاً منطبق بر دره نباشند، تحت تأثیر فشار جمعیت افراطی از اسلوب سنتی خود خارج شده‌اند. زیرا این نواحی دیگر پاسخگوی نیازهایی نظیر زمین برای ساختمان بدور از خطر بهم‌ها، آب و انرژی، زیر ساخت‌های جاژه‌ای، تله‌سیژ و پیست‌های اسکی نمی‌باشند.

این پدیده همچنین کشاورزی را نه تنها در نواحی توریستی بلکه در تمام توده آلبی تحت تأثیر قرار داده و واکنش‌های جدیدی را در فعالیت‌های کشاورزی و روستایی دامن زده است. تغییر ذهنیت تحریک شده در اثر ویژگی کم‌صرف‌تر بودن فعالیت‌های کشاورزی - دامی در نواحی کوهستانی پراکنده موجب صحرارزدگی برخی از نواحی و یا تقریباً رها نمودن فعالیت‌های دامی شده است. با محو شدن فزاینده راه‌های مال‌رو بی‌یلاق قشلاق فصلی دامداران در نواحی غربی آلپ هر روز کاهش می‌یابد.

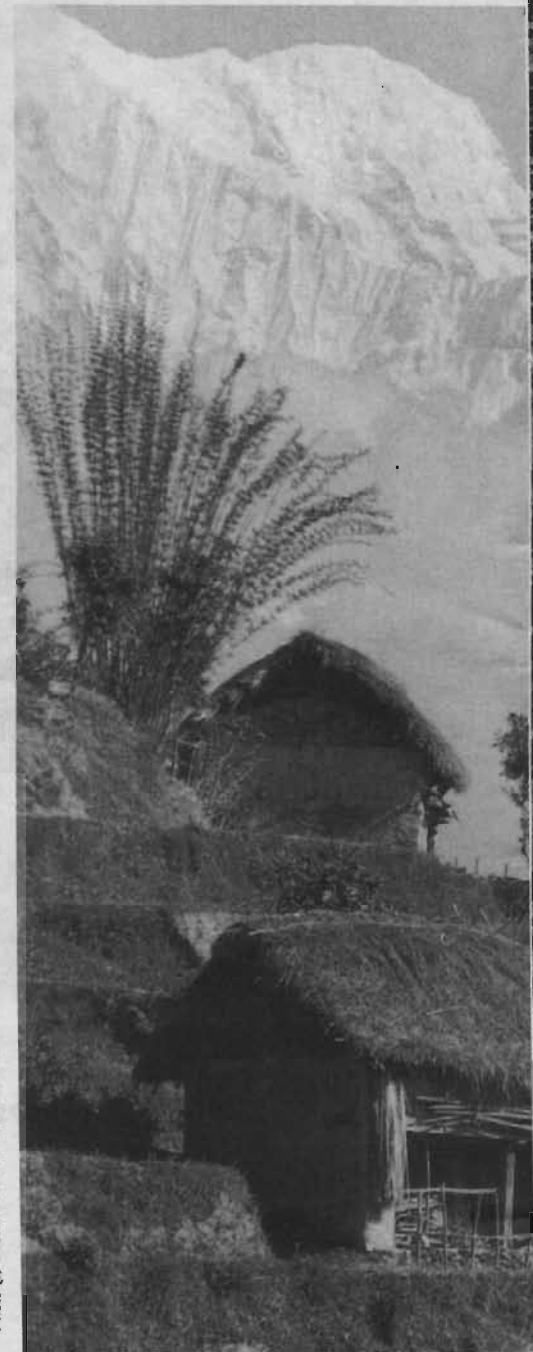


Photo © Yvette Vincent Alleaume, Paris

چندان تغییری نکرده است. در مقابل افزایش سریع جمعیت ظرفیت پذیرش این فلاتهای مرتفع دستخوش عدم تعادل شده است. بهره‌برداری افراطی از منابع کشاورزی و دامی باعث پایین آمدن تولید و سرانجام منجر به مهاجرت عناصر پر تحرک جمعیت یعنی جوانان شده است.

این مهاجرت از بیست سال پیش بدین طرف محیط آند را عمیقاً در معرض دگرگونی قرار داده و موجب بهره‌کشی افراطی در برخی نواحی و بهره‌گیری ناچیز و پائین‌تر از حد مطلوب از سایر منابع شده است. تا آنجا که به حافظه می‌آید اولین بار است که از تپه‌های واقع در پیشکوه‌های آلبی پلاتو در مقیاسی وسیع بهره‌برداری می‌شود. متأسفانه فقدان تجربه کشاورزی موجب فرسایش شدید خاک شده و پایین آمدن تولید در این نواحی و همچنین واکنش‌های منفی نواحی پائین دست را در پی داشته است.

از طرف دیگر جابجایی جمعیت و روی آوردن آن به شهر بر مسائلی نظیر مسکن، بهداشت و سایر ساخت‌های زیربنایی شهر بخصوص در شهرهای ساحلی که پذیرای بیشتر جمعیت بودند عمیقاً فشار آورده است. در این میان

سوار بر قطار کوهستانی کوزو به ماچوبیچو در پرو

